



۲۰۱۸/۰۲/۰۷

هدایت الله ذاهب

سامری ها و گوساله های عصر مدرن

اهل خبره، صاحب نظران و علما نیازمندی بیشتر از دانش تاریخی برای درک حالت کنونی جوامع و تعیین مسیر درست حرکت به سوی آینده را احساس نکرده‌اند، چنانچه کسی از اهل خبره گفته است: هیچگاه اهمیت تاریخ را فراموش نکن. کسی که اتفاقات گذشته قبل از گرفتن موقعیت خویش در زمین را هیچ نداند، همیشه در حالت طفولیت خواهد ماند^(۱)، دیگری می گوید: کسی که گذشته را کنترل می کند آینده را نیز کنترل می کند، و کسی که آینده را کنترل می کند حال را نیز کنترل می کند^(۲) و رئیس جمهور امریکا "تئودور روزولت" می گوید: به اندازه که دانش از گذشته داشته باشی برای آینده آماده هستی^(۳).

بخش بزرگ از قرآن به حیث کتاب نور و هدایت، رهنمای کامل برای بشریت، نجات از ضلالت، رهنمود جامع الاطرافی مبارزه با شیطنت و رهبری کننده انسانیت را تاریخ تشکیل می دهد. تاریخ انبیا به حیث نمادهای فلاح و رستگاری و دشمنان وی به حیث نمادهای گمراهی و تاریکی و رهبری کنندگان به سوی بربادی، تاریخ اقوام و جوامع گذشته و اسباب فلاح و تباهی آن ها، تاریخ افراد و اسباب درخشندگی و منفور شدن آن ها و تاریخ از وقایع گذشته که هر حکایت بلیغ و کوتاه تاریخی آن حامل هزاران پند برای خوانندگان با بصیرت است.

حکایات تاریخی را که الله متعال بیان می دارد فقط داستان های میان تهی نیست که در کنج اذهان منجمد شده و به درد لفاظی ها برای جلب توجه مخاطبین باشد، بلکه الله متعال با کثرت بیان این حکایات برای ما می فهماند که حوادث و اتفاقات تاریخی به حیث نکات تاریخی قابل اتصال در فرآیندهای تاریخی بوده و نکات تاریخی در فرآیندهای تاریخی گذشته، حال و آینده وصلت پذیر و مرتبط هستند و اینکه وصلت با بصیرت این نکات می تواند در فهم حالت امروزی ممد واقع شده و برای آمادگی آینده حیاتی باشد، چنانچه شیخ عمران حسین می نویسد: در راستای کوشش برای درک جهان مدرن امروز با استفاده از کتاب الله (ج) باید فهم درست از سیر تاریخی که امتداد آن جهان امروز

^۱ - Elliot S. Valenstein; The War of the Soups and the Sparks: The Discovery of Neurotransmitters and the Dispute Over How Nerves Communicate (۲۰۰۶); P ۱۸۱

^۲ - Mark Changizi; The Vision Revolution: How the Latest Research Overturns Everything We Thought We Knew About Human Vision (۲۰۱۰); P ۱۶۱

^۳ - David N. Abdulai; Chinese Investment in Africa: How African Countries Can Position Themselves to Benefit from China's Foray into Africa (۲۰۰۷); P ۲

را ساخته است، داشت. اگر کسی نداند که جهان مدرن چیست و به کدام جهت در حرکت است، نمی‌تواند به قرآن برای گرفتن دانش جدید (در این مورد) مراجعه کند. برعکس آن نیز درست است. اگر کسی به قرآن برای درک و گرفتن ملاحظات و اندازها درباره جهان مدرن و اینکه چه اتفاقات اکنون در حال آشکار شدن است و فردا چه را در پی خواهد داشت، مراجعه نکند، در قبال این موضوع در تاریکی خواهد ماند^۴.

یکی از حکایات تاریخی که کتاب نور و هدایت آنرا مکرراً و بیشتر از همه بیان نموده است داستان موسی (ع) است، داستانی که همه جوانب فرآیندهای تاریخی را در برمی‌گیرد و داستانی که چهره پنج جناح ذی دخل را به معرفی می‌گیرد، چهره موسی (ع) به حیث رهبر مصمم و هیبت‌ناک حق، چهره حق‌گرای هارون (ع) به حیث نایب وی و همراهانش، چهره فرعون به حیث رهبر طاغوت، چهره سامری به حیث فتنه‌گر در قالب خیرخواه، چهره اکثریت بنی اسرائیل با تمایل به باطل! این داستان بر علاوه هزاران پند و اندرز که با خود حمل می‌کند یک وجه اهمیت دیگر نیز برای مسلمانان دارد و آن حدیث رسول‌الله (ص) است که می‌گوید: هر آنچه در بنی اسرائیل اتفاق افتاد، در امت من نیز اتفاق خواهد افتاد، طوری که (همسانی این تجربه تاریخی) مانند همسانی جورۀ از پاپوش به جورۀ دیگر خواهد بود^۵. از این حدیث درک می‌شود که نکات تاریخی در مسیر تاریخ بنی اسرائیل قابل وصل با نکات تاریخی در مسیر تاریخی امت اسلام بوده و همان‌طوری که بنی اسرائیل قربانی ظلم فرعون شده بود این امت نیز در عمر تاریخی خویش توسط فرعون‌ها مورد ظلم قرار خواهند گرفت، همان‌طوری که بنی اسرائیل توسط سامری به فتنه کشیده شد این امت نیز توسط سامری‌ها به فتنه کشانیده خواهد شد، همان‌طوری که هارون (ع) و همراهانش تحت تأثیر فتنه‌ها قرار نگرفتند، گروهی و یا گروه‌های در این امت نیز هارون‌وار به حق چنگ خواهند زد و بالاخره همان‌طوری که موسی (ع) گوسالۀ طلایی به حیث نماد شرک را سوزانید، افرادی در این امت نیز موسی‌گونه بت‌های ساخته‌شده توسط سامری‌ها را به آتش خواهند افکند.

بنی اسرائیل تحت ظلم طاقت‌فرسای فرعون قرار گرفته بودند و الله (ج) موسی (ع) را به حیث ناجی و گرمگشای مشکلات آنان فرستاد تا آنان را از سرزمین مصر و سلطۀ فرعون نجات دهد. زمانی که موسی (ع) با بنی اسرائیل حرکت کرد تا سرزمین مصر را پشت سر گذارند، فرعون‌نمایی که سال‌های متمادی از به رمکشی آن‌ها لذت می‌بردند به خشم آمده و فرعون و لشکریانش به تعقیب آن‌ها برخاسته و در کرانه دریای نیل آن‌ها را محاصره کرد و درست زمانی که بنی اسرائیل را ناامیدی مبنی بر اینکه توسط فرعون‌نیا دستگیر شده مجازات خواهند شد کلافه کرده بود و فرعونیان از فرط خوشی پیروزی دست‌به‌دست به دست خویش می‌مالیدند، الله (ج) آب را برای آن‌ها جدا ساخته راه ساخت و بنی اسرائیل از دریا گذشتند و زمانی که فرعون خواست آن‌ها را تعقیب کند آب دوباره سرجایش آمده و فرعون و لشکریانش را غرق کرد. همراه با بنی اسرائیل شخصی که اکثریت می‌گویند از بنی اسرائیل نبود به نام سامری نیز

^۴ - Imran N. Hosein; Dajjal (The Anti-Christ) The Qur'an and Awal al-Zaman; ۲۳۷

^۵ - سنن ترمذی، ترمذی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، کتاب الایمان، باب ۱۸ ج ۵ ص ۲۶ حدیث ۴۱ (لیاتین علی امتی ما اتی علی بنی اسرائیل حذو النعل بالنعل)

که با دیدن معجزات حضرت موسی (ع) پیروزی آن حضرت (ع) را قطعی پیش‌بینی کرده بود حرکت کرد و گفته می‌شود از اولین کسانی بود که از دریا گذشت. پس از نجات، بنی اسرائیل که تازه لذت آزادی، اختیار و استقلال را دیدند، از حضرت موسی (ع) خواهش کتاب و قانون از طرف الله (ج) کردند و موسی (ع) به دستور خداوند (ج)، از میان قوم خود هفتاد نفر از خوبان و نخبگان آن‌ها را انتخاب کرد؛ یعنی آن‌های که از نظر تقوا و دین‌داری مورد اطمینان بودند، با خود به کوه طور برد، تا مدتی روز بگذراند، تهجد کنند، ریاضت کشند و آمادگی روحی برای اخذ پیام و رسالت خداوندی پیدا نمایند. (اعراف/۵۵) حضرت موسی (ع) برای برادرش هارون (ع) گفت: در میان قوم من جانشین من باش، به اصلاح آن‌ها بپرداز و از روش تبه کاران پیروی نکن. (اعراف/۱۴۲) سامری، در غیاب حضرت موسی (ع) از فرصت و موقعیت استفاده کرده بنی اسرائیل را مورد خطاب قرار داده و گفت: زیورها و طلاهای که از فرعونیان در اختیار زنان بنی اسرائیل بود، بیندازید به زمین که حرام است و خودش هم طلاها را انداخت. (طه/۷۸) بعد به صورت مخفیانه قالبی از گل بساخت، طلاها را میان قالب ریخت، آتش روشن کرد، طلاهای گداخته شده در میان قالب به صورت گوساله درآمد، بنی اسرائیل را جمع کرد، پرده را یا دیوار را برداشت، گوساله طلایی نمایان شد که چون گاو و گوساله صدا می‌داد. و گفت: موسی بر نمی‌گردد و این خدای موسی است، موسی خدای خود را فراموش کرده است (طه/۸۸ و اعراف/۱۴۸). بنی اسرائیل گمراه شده و به پرستش گوساله سامری پرداختند.

زمانی که موسی (ع) از کوه طور برگشت و حالت بنی اسرائیل را مشاهده کرد، پس از بحث با بنی اسرائیل و سامری خطاب به سامری چنین گفت: پس برو که به ره تو در زندگی این باشد که (به هر که نزدیک تو آمد) بگویی (به من) دست مزنیید و تو را موعدی خواهد بود که هرگز از آن تخلف نخواهی کرد و (اینک) به آن خدایی که پیوسته ملازمش بودی بنگر آن را قطعاً می‌سوزانیم و خاکسترش می‌کنیم (و) در دریا فرومی‌پاشیم^۶). علامه یوسف جبرئیل در این مورد می‌نویسد: در تفسیر موعده مفسرین نظریات مختلف دارند، بعضی می‌گویند موعده روز قیامت و رویارویی با الله (ج) است و بعضی می‌گویند موعده مسیح‌الذجال است که برای تکمیل مأموریت سامری خواهد آمد. نظر دوم با تأسف با دیدن عصر پرستش طلا و ماشینی مدرن وزن بیشتر به خود می‌گیرد^۷). در حالی که نمی‌توانیم با اطمینان نظر دوم را کاملاً تصدیق و یا رد کنیم ولی با دیدن عصر دجالی امروز و سامری‌ها و گوساله‌های مدرن سامری می‌توانیم بگوییم که این نظریه قسماً درست بوده و بخش از فتنه‌های دجال در این عصر همسانی‌های بیش‌از حد با فتنه سامری دارد.

^۶ - سوره طه؛ آیه ۹۷؛ قَالَ فَاذْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَنْ نُخْلِفَهُ وَانظُرْ إِلَى إِلَهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَنُْحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لِنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا (۹۷)

^۷ - Yousuf Gabriel; Gabriel'S Extinguishing the Atomic Hell Series: The Miracle of the Holy Quran (BOOK ۲); Chapter ۲; ۲, As-Samiri: The Touch (me) Not

زمانی که فرعون در حال غرق شدن بود و ایمانش در زمان حاضر شدن مرگ پذیرفته نشد، الله (ج) فرمود: پس امروز تو را با بدن بی جان نجات می‌دهم تا برای آیندگان نشانه‌ای باشی؛ و یقیناً بسیاری از مردم از نشانه‌های ما بی‌خبرند^۸. الله (ج) بدن فرعون را نشانه‌ای برای آیندگان قرارداد تا در آینده زمانی که جسد فرعون دوباره آشکار می‌شود انسان‌ها از آن پند گیرند. این نشانه در سال‌های اخیر قرن ۱۹ تقریباً مصادف با شکل‌گیری رسمی حزب صهیونیسم (نظریه و کارکردها نظر به فکر صهیونیستی از زمان صلیبی‌ها موجود بود) آشکار شد و پیدا شدن جسد نشانه‌ای بود از تکرار تاریخ، هشداری برای کسانی که زندگی فرعون‌پیشه کردند (صهیونیست‌ها و استعمار جهانی) و هشداری برای مؤمنین تا از فرعون‌ها و سامری‌های عصر آگاه باشند. این‌زمانی بود که سران صهیونیست در تلاش تشکیل حکومت یهودی در سرزمینی بودند که دو هزار سال قبل از آن (بیت‌المقدس) طرد شده بودند و با وجود تمام کوشش‌ها با جواب سخت خلافت عثمانی روبرو شدند.

صهیونیست‌ها درک کردند که با موجودیت خلافت و خلیفه به حیث رهبر مسلمانان امکان برآورده شدن آرزوی آن‌ها بعید به نظر می‌رسد، بناءً این فرعونیان و سامری‌ها برای از بین بردن رهبریت مسلمانان دست به کار شده و به فکر فتنه‌گری میان مسلمانان شدند. سامری‌های **په نام** مستشرقین، گوساله‌ را **په نام** وطن به معرفی گرفتند تا مسلمانان در پرستش آن مصروف شده و آن‌ها مقاصد خویش را برآورده سازند. گوساله به زودی رو به رشد گرفت و مسلمانان مانند بنی اسرائیل فریب این گوساله را خورده و **په نام** نشنلیزم عربی علیه خلافت ترکی عثمانی به بغاوت برخاستند و خلافت عثمانی که از یک‌طرف در جنگ جهانی اول توسط توطئه صهیونیست‌ها دخیل شده بودند، تاب مقاومت در دو جبهه مقابل فرعونیان غربی و شرقی (اروپایی‌ها و روس‌ها) از بیرون و سامری‌ها و پیروان گوساله‌پرست از درون را نداشته و از بین رفت. سامری در زمان موسی (ع) نبود حضرت موسی (ع) را نبود رهبر تلقی کرده از موقع استفاده کرد و بنی اسرائیل را به فتنه کشانید و سامری‌های این عصر نیز از نبود خلافت به حیث نکته رهبری مسلمانان استفاده کرده و گوساله‌طلایی **په نام** وطن را برای هر گروه ساخته و گوساله‌پرستان مدرن **په نام** وطن‌پرستان توانستند امت یکپارچه اسلام را به دولت‌ملت‌های مختلف تقسیم کنند و هر گروه به دور گوساله خویش به طواف پرداخت. به زودی معیارها تغییر کرد، دیگر خداپرستی و خدادوستی به ترین شاخص انسان‌ها نبود بلکه وطن‌پرستی و وطن‌دوستی به حیث نماد گوساله‌پرستی مثبت‌ترین شاخص شناخته می‌شد.

یکی از شاخص‌های الوهیت دادن و یا بت‌سازی چیزی این است که صفات الهی را به آن قائل شد و مسلمانان همین کار را برای گوساله جدید **په نام** وطن کردند. یکی از صفات الهی که نظر به آن الوهیت قائل شدن به الله (ج) یگانه است، صفت حاکم بودن و فرمانروا بودن الله (ج) در زمین و آسمان است، چنانچه قرآن می‌گوید: *او کسی است که در آسمان معبود است و در زمین معبود و او حکیم و علیم است*^(۸)، بناءً هر شخصی که به یگانگی الله (ج) ایمان دارد و مسلمان است باید معبودیت الله (ج) را قبول داشته و حاکمیت و فرمانروایی زمین را برای الله (ج) قائل شود و همین است معنی نظام خلافت چنانچه الله (ج) خطاب به داوود (ع) می‌فرماید: *ای داود! همانا تو را در زمین جانشین (و نماینده خود) قرار دادیم؛ پس میان مردم به حق داور (حکم) کن*^(۹). مسلمانان حق حاکمیت و فرمانروایی را از

^۸ - سوره یونس؛ آیه ۹۲؛ *فَأَيُّومَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لَتَكُونَ لِمَنْ خَلَقَكَ آيَةً وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ عَنْ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ (۹۲)*

^۹ - سوره ص؛ آیه ۲۶؛ *يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ*

الله (ج) گرفتند و به دولت‌ها دادند و دیگر حق نبود که میان مردم حکم کند بلکه دولت‌ها قانون می ساختند و نظر به قانون دولتی نه قانون الهی حکم می کردند؛ دولت‌های وطنی گوساله جدید سامری بود که مسلمانان به آن الوهیت قائل شدند. اما این آغاز کار سامری‌ها در همکاری با فراعنه عصر بود، قلبه ای دجالی و ابلیسی آن‌ها تنها با معرفی یک گوساله سکون نمی گرفت، بلکه طرح بزرگ آن‌ها این است تا گوساله‌های گوناگون را در سراسر جهان معرفی کرده، پرورش دهند و بالاخره با یکجا سازی تمام این گوساله‌ها آن‌را به یک گاو بزرگ به نام حکومت جهانی به سرکردگی دجال مبدل ساخته و مردم را به پرستش آن مجبور سازند، بناءً در فرآیند پرورش و بزرگسازي، این گوساله را جهانی ساخته و با عضویت در ملل متحد، ممالک اسلامی حق حاکمیت را به شورای امنیت ملل متحد^(۱) سپردند.

حق حاکمیت در بعضی عرصه‌های داخلی نزد کشورها هنوز هم با پرچا ماند که مانع برای ساخت گاو بزرگ محسوب می شد بناءً گوساله جدیدی مادیات گرایی و پول‌پرستی در بُعد اقتصادی به کمک سیستم جعلی پول حکمی کاغذی و اتحاد نامقدس سه‌گانه بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی به معرفی گرفته شد. جهانیان و مسلمانان این بار نیز فریب گوساله را خورده و گوساله جدید ساخته شده از مادیات را به پرستش گرفتند. این سه نهاد مانند سامری به نام خیرخواهی به کشورها وارد شده و به قرضه دهی پیوسته با سود پرداختند. سامری‌های عصر می دانستند که کشورها قدرت بازپرداخت قروض را نخواهند داشت، بناءً برای قادر ساختن کشورها برای بازپرداخت با نسخه به نام اصلاحات ساختاری وارد میدان شده و قوانین جدید خویش را که مخالف با قوانین الهی است قانون زمین در عرصه اقتصاد ساختند. شرکت‌های چندملیتی که نهادهای بین‌المللی به دست آن‌هاست از این موقع استفاده کرده و قوانین سخت‌گیرانه جدید را که به فقر جهانی افزوده و سرمایه‌ها را به دست چند سامری می سپارد تحمیل کردند و اعوام به خاطر مادیات تن به پرستش گوساله‌های ساخته شده آن‌ها دادند.

گوساله‌های سیاسی و اقتصادی جای خویش در قلوب جهانیان دریافتند و اکنون نوبت به گوساله فرهنگی و اجتماعی رسید، رسانه‌ها (رادیوها، تلویزیون‌ها، موسیقی و فلم‌ها) به ترویج فرهنگ دجالی مدرن غربی با استحاله نمودن فرهنگ‌های دینی و سنتی پرداخته و جامعه مدنی و کنوانسیون‌های بین‌المللی (حقوق بشر، سازمان‌های ترویج دموکراسی، آزادی و غیره) بکمک آنها پرداختند، تا تمام جهان پذیرای یک فرهنگ جهانی شده و زمینه برای حکومت جهانی دجال مهیا شود.

گفته می شود جزای گناه این است که گناهان دیگری را در پی خواهد داشت، و گناه بزرگ اول (تن دادن به وطن‌پرستی) سبب باز شدن راه برای گوساله‌های جدید میان مسلمانان شد و اکنون اکثر مسلمانان پرستش گوساله‌های مختلف را آگاهانه و ناآگاهانه (شرک جلی و خفی) پذیرفته‌اند. مسلمانان قوانین بین‌المللی را بر قرآن ترجیح می دهند، برای قوانین کنوانسیون‌های بین‌المللی کمپاین می کنند و علیه قوانین خدا قرار می گیرند، هرکس یک یا چندین گوساله مدرن را برای پرستش قبول کرده است، یکی به گرد گوساله به نام پول طواف می کند، دیگری ستاره‌های سینما،

^۱ - مراجعه شود به منشور ملل متحد ماده ۲۴

موسیقی و ورزش را می پرستد و دیگری نیز ملل متحد و سازمان‌های بین‌الملل را حاکم جهان می داند و یا به گرد همه یکجا با هم می چرخند.

خوشبختانه در سیر تاریخی قرن گذشته تا اکنون حق‌گرایان و یکتاپرستان نیز وجود داشته است که هارون‌گونه علیه این گوساله‌پرستان ایستادگی کرده و مردم را از عواقب این گوساله‌پرستی هشدار داده‌اند، اما شوربختانه که مانند بنی اسرائیل گوساله‌ها چنان در قلوب اکثریت جا گرفته‌اند که حاضر به ترک آن نبوده و اکنون هم اکثریت باوجود هشدارهای علمای واقعی و هارون صفت گوش فرا نمی دهند.

جزای گوساله‌پرستی بنی اسرائیل که توسط موسی (ع) اعلان شد کشتن یکدیگر (سوره بقره آیه ۵۴) بود، و جزای مسلمانان نیز که نسبت به قطع وحی اعلان نشد همسان بود. پس از قرن ۲۰ و روی آوردن مسلمانان به گوساله‌های جدید ساخته‌شده توسط سامری‌های مدرن، این امت بیشترین تلفات را در جنگ‌های بین یکدیگر داشته‌اند طوری که در هر دهه میلیون‌ها مسلمان در جنگ‌های داخلی کشته‌شده‌اند و حالت امت اسلام رو به وخیم شدن است، پس بر مسلمانان است که برای نجات از چنین حالت هارون‌گونه از پرستش گوساله‌های مدرن دوری کرده، دیگران را نیز از این فتنه‌ها آگاه سازند و دوباره یکتاپرستی را سرمشق زندگی خویش قرار دهند، تا خداوند (ج) به نصرت ایشان پرداخته و بتوانند این گوساله‌ها را به آتش بکشند. به امید بیداری امت اسلام!

